



مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی و سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس کشور تفاهم‌نامه مشترک همکاری امضا کردند.

به گزارش اقتصادسراسرآمد، تفاهم‌امه همکاری میان این مرکز با سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس کشور باهدف توسعه، تحکیم و تسهیل همکاری‌ها و مشارکت در زمینه‌های علمی، آموزشی، تحقیقاتی، پژوهشی و فرهنگی دوجانبه و استفاده بهینه و متقابل از ظرفیت‌ها و منابع اطلاعاتی، فرصت‌های پژوهشی، مطالعاتی، تخصصی، اجرایی و فرهنگی طرفین است.

این تفاهم‌نامه که با امضای غزال راهب، رئیس مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی و حمیدرضا خان‌محمدی معاون عمرانی وزیر و رئیس سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس کشور به امضا رسید، بر استمرار تعامل سازمان‌یافته بین مرکز و سازمان به‌منظور برطرف ساختن نیازها، پیشبرد برنامه‌ها و فعالیت‌های مکمل و مشترک و آینده‌سازی علمی، تحقیقاتی، فناوریانه و تدقیق نحوه تعامل‌فی‌مابین و دستیابی به چارچوب تفاهم و اقدام مشترک تأکید دارد.

شناسایی مدارس نایلم و مقاوم‌سازی و توسعه ایمنی در مدارس، توسعه مدارس سبز و پایدار، توسعه فناوری BIM در طرح اجرا و نگهداری مدارس، توسعه صنعتی‌سازی در ساخت مدارس، ارائه الگوهای بومی و ساخت مدارس در مناطق مختلف کشور و ضوابط مرتبط بر آن، ارائه الگوهای مدارس اسکان موقت، کنترل کیفی مصالح و ارائه پیشنهادها، اعلام نیازها و اولویت‌های پژوهشی و آموزشی در زمینه طراحی و اجرا برای حمایت از ظرفیت مرکز و حمایت از فناوری‌های نوین ساخت به صورت اجرای پروژه‌های نمونه از جمله زمینه‌های همکاری ایسن تفاهم‌نامه همکاری مشترک است.

۷۷ آشیانه ماشین‌آلات و انبار شن و نمک در حال احداث و بازسازی است



معاون فنی و راه روستایی سازمان راهداری و حمل‌ونقل جاده‌ای از اجرای عملیات احداث و بازسازی ۷۷ آشیانه ماشین‌آلات و سوله انبار شن و نمک در سطح راهدارخانه‌های کشور باهدف ارتقاء ایمنی تردد کاربران جاده‌ای خبر داد.

به گزارش اقتصادسراسرآمد، علی خاتقایی از اجرای عملیات احداث و بازسازی ۷۷آشیانه ماشین‌آلات و سوله انبار شن و نمک در سطح راهدارخانه‌های کشور باهدف ارتقاء ایمنی تردد کاربران جاده‌ای خبر داد و گفت: راهدارخانه‌ها از مهمترین مراکز خدمات‌رسانی در حوزه نگهداری و بهسازی جاده‌ها و برقراری تردد ایمن در شبکه راه‌های کشور محسوب می‌شوند که یکی از مهمترین تکالیف آنها، ارائه خدمات بهینه و تسریع در امور عملیات راهداری به‌منظور ارتقاء ایمنی محورها است.

وی اظهار کرد: بر این اساس، سازمان راهداری و حمل‌ونقل جاده‌ای به منظور ارتقای کیفیت عملیات راهداری در سطح شبکه راه‌های کشور، پروژه‌هایی را با هدف احداث، بهسازی، تعمیر و تجهیز راهدارخانه‌ها به‌ویژه در ایام طرح راهدار زمستانی اجرایی می‌کند.

معاون فنی و راه روستایی با تأکید بر نقش راهدارخانه‌ها به عنوان امنیتی امن برای اسکان مسافران در مواقع ضروری، بیان کرد: نقش راهدارخانه‌ها در خدمات‌رسانی بهینه و به‌هنگام به کاربران جاده‌ای به‌ویژه در فصل زمستان، نشان دهنده اهمیت و ضرورت احداث، بهسازی و تجهیز این مراکز به امکانات مورد نیاز برای ارائه خدمات مطلوب به هموطنان است.

به گفته خاتقایی، در حال حاضر ۱۱۷۲ راهدارخانه در سطح شبکه راه‌های کشور وجود دارد که با استفاده از ظرفیت ماشین‌آلات و تلاش راهداران در طول سال و ایام مختلفی همچون راهداری زمستانی، سفرهای نوروزی و اربعین حسینی عملیات عظیم بسترسازی برای تردد ایمن و آسان مسافران در سطح راه‌ها را انجام می‌دهند.

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: فیروز اسماعیلی نژاد

قائم مقام مدیر مسئول: امید عباسی

سردبیر: شورای سردبیری

دبیر تحریریه: سعید قلیچی

دبیر عکس: اصغر بشارتی

طرح و کاریکاتور: فریبا عزیزی

«سرآمد» ضرورت اصلاح مدیریت تاب‌آوری اقتصادی را بررسی می‌کند؛

اختلاف درک مدیریت اجرایی با واقعیت‌های جامعه

واکاوی آسیب‌های سیاست‌گذاری اقتصادی بدون نگاه واقع‌بینانه

سید گروه راهبردی – نورالله بیرانوند – در دنیای پیچیده و به سرعت در حال تغییر امروز، سیاست‌گذاران و مدیران باید از درک عمیق و واقع‌بینانه‌ای از وضعیت داخلی و محیط بین‌المللی کشور برخوردار باشند تا بتوانند تصمیمات درست و کارآمدی اتخاذ کنند. این درک نه‌تنها در قالب گزاره‌های ذهنی شکل می‌گیرد، بلکه در مراحل بعدی به اسناد سیاستی تبدیل می‌شود و نهایتاً در رفتار و اقدامات سیاست‌گذاران تجلی پیدا می‌کند.

به گزارش «اقتصاد سرآمد»، نورالله بیرانوند – معاون تأمین سرمایه و اقتصاد حمل‌ونقل شرکت راه‌آهن جمهوری اسلامی ایران – در نوشتاری اختصاصی به «سرآمد» به بررسی اهمیت نگاهی واقع‌بینانه برای سیاست‌گذاری هوشمندانه و تاب‌آوری اقتصادی کشور پرداخته است. این مطلب را در ادامه می‌خوانید:

به نظر می‌رسد برخی سیاست‌گذاران و مدیران کشور در فرایند تصمیم‌گیری‌های اقتصادی و تخصیص منابع، براساس برخی انگاره‌های ذهنی عمل می‌کنند که به‌طور جدی می‌تواند موجب اتخاذ سیاست‌های ناکارآمد و غیرواقعی شود. این انگاره‌های ذهنی به‌ویژه در زمان مواجهه با بحران‌ها و چالش‌های اقتصادی، به‌صورت معکوس عمل کرده و موجب آسیب بیشتر به وضعیت موجود می‌شود. برای افزایش تاب‌آوری کشور در برابر چالش‌های بزرگ، لازم است از نقطه سرآغاز؛ یعنی انگاره‌های ذهنی نادرست، شروع کرده و آن‌ها را اصلاح کرد. در این یادداشت به بررسی این ضرورت پرداخته خواهد شد که چگونه اصلاح این انگاره‌ها می‌تواند مسیر سیاست‌گذاری‌ها و اقدامات اجرایی را به سمت تقویت تاب‌آوری اقتصادی و پیشرفت پایدار هدایت کند.

۱.۱. منابع لایزال و محدودیت‌های کم

یکی از انگاره‌های غالب این است که ایران دارای منابع طبیعی وسیعی است که محدودیت قابل توجهی در بهره‌برداری از آن‌ها وجود ندارد. این انگاره شامل موارد زیر است:

• منابع نفت و گاز که فرض می‌شود به‌راحتی قابل استخراج و افزایش تولید در کوتاه‌مدت هستند و تقاضای جهانی برای این منابع به‌ویژه در آینده پایدار خواهد ماند.

• منابع آبی، جنگل‌ها و سواحل کشور که به‌طور طبیعی پایدار هستند و نیازی به مدیریت خاص ندارند.

• منابع انسانی که به‌ویژه جمعیت جوان ایران، به‌عنوان یک



مزیت دائمی و بالقوه برای رشد اقتصادی در نظر گرفته می‌شود.

۱.۲. پایداری درآمدهای نفتی و مالیاتی و تصور حل همه مسائل با منابع مالی

• درآمدهای نفتی و صادرات نفت می‌توانند به‌عنوان راه‌حل اصلی تأمین مالی کشور عمل کرده و مشکلات اقتصادی را برطرف کنند.

• پایداری درآمدهای مالیاتی در شرایط رکود اقتصادی از طریق سیاست‌های مالی فعلی ممکن است، بدون آنکه به تغییرات ساختاری و تنوع منابع مالی توجه شود.

۱.۳. مشکل تنها کمبود منابع مالی است

یکی از انگاره‌های ذهنی رایج در میان بسیاری از سیاست‌گذاران این است که مشکل اصلی کشور تنها کمبود

نشانی سایت: eghtesadsaramad.ir

عضو انجمن روزنامه های غیردولتی

نشانی دفتر مرکزی:تهران- خیابان سپهرودی شمالی مابین هویزه و بهشتی - پلاک ۵۵۶ طبقه سوم - واحد ۳



گیرند، ندارند. فقدان این تعامل دوسویه و مستمر باعث کاهش قدرت ادراکی سیاست‌گذاران شده و موجب می‌شود آن‌ها درک دقیقی از نیازهای واقعی جامعه و تحولات محیطی نداشته باشند. این کمبود ارتباطات متقابل، در نهایت موجب اتخاذ تصمیمات نادرست و ناکارآمد خواهد شد. این نوع ادراک استاتیک و محدود به آن‌ها این باور را القا می‌کند که وضعیت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور پایدار است و نیازی به تغییرات بنیادین یا اصلاحات در سیاست‌ها و استراتژی‌ها وجود ندارد. افزون بر این، این افراد معمولاً به‌دلیل ضعف مهارت‌های ارتباطی و عدم تمایل به پذیرش نظرات و تحلیل‌های متفاوت، از شنیدن واقعیت‌ها و چالش‌ها اجتناب می‌کنند. در نتیجه، سیاست‌های آنان براساس تصویری غلط و ناکامل از وضعیت کشور شکل می‌گیرد که به‌طور طبیعی به اتخاذ تصمیمات نادرست و نتیجه‌بخش نخواهد انجامید.

این دوعامل، یعنی منافع گروهی و محدود بودن ورودی‌های ادراکی، باعث می‌شود که سیاست‌گذاری‌ها از واقعیت‌ها فاصله گرفته و در مواجهه با چالش‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، بی‌اثر و ناکارآمد شوند. در نتیجه، به جای حل مشکلات و بهبود وضعیت کشور، راه‌حل‌هایی سطحی و غیرواقعی اتخاذ می‌شود که تنها به پیچیده‌تر شدن مسائل موجود خواهد انجامید. این وضعیت به نوعی به تکرار بحران‌ها و ناکامی‌ها منتهی می‌شود و در نهایت هیچ‌گونه تحولی در وضعیت کشور حاصل نخواهد شد.

نتیجه‌گیری

یکی از مهم‌ترین موانع در مسیر تحقق سیاست‌های مؤثر و پیشرفت پایدار، شکاف ادراکی عمیق است که نه‌تنها بین سیاست‌گذاران و عموم مردم، بلکه در بدنه مدیریتی و اجرایی کشور نیز مشهود است. این شکاف در سطوح مختلف مدیریت بنگاه‌های اقتصادی، سازمان‌های اجتماعی و نهادهای سیاسی نمایان است و خود موجب گسترش این فاصله در درون کشور می‌شود. این اختلاف در درک واقعیت‌ها و تفاوت در انگاره‌های ذهنی میان سطوح مختلف مدیریتی و اجرایی می‌تواند آثار منفی جدی داشته باشد که برخی از آن‌ها عبارتند از:

–بی‌اعتمادی عمومی و عدم‌همراهی مردم با سیاست‌ها و تصمیمات اتخاذشده.

–کاهش اثرگذاری و کارآمدی سیاست‌ها به‌دلیل فاصله بین چشم‌اندازهای سیاست‌گذاران و نیازهای واقعی کشور.

–تضعیف انسجام و هماهنگی درون‌بخشی در مدیریت اجرایی و تصمیم‌گیری.

–ایجاد فساد و ناکارآمدی به‌دلیل تصمیمات غیرواقعی و منطبق نبودن با شرایط اقتصادی و اجتماعی.

–افزایش نارضایتی عمومی و تضعیف مشروعیت نهادهای حکومتی که می‌تواند در نهایت منجر به بی‌ثباتی اجتماعی شود.

–کاهش بهره‌وری و هدررفت منابع به‌دلیل تخصیص نادرست و ناکارآمد منابع در بخش‌های مختلف کشور.

این شکاف‌ها، در صورت عدم‌اصلاح، می‌توانند به تداوم مشکلات اقتصادی و اجتماعی منجر شوند. بنابراین، برای حل بحران‌ها و بهبود وضعیت اقتصادی کشور، ضروری است سیاست‌گذاران و مدیران به درک عمیق‌تر و واقع‌بینانه‌تری از وضعیت داخلی و بین‌المللی کشور دست یابند و انگاره‌های ذهنی خود را با واقعیت‌های جاری و درک مردم تطبیق دهند. این اصلاحات باید در تمامی سطوح حکمرانی، اجرایی و مدیریتی صورت گیرد تا به یکپارچگی و هم‌راستایی در فرایند تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری برسیم.

در نهایت، مجموعه این شرایط نیازمند مدیران دانا، شجاع و توانمند است که نه‌تنها با شجاعت و عزم راسخ انگاره‌های ذهنی خود را با واقعیت‌های موجود تطبیق دهند، بلکه با آگاهی کامل از نقشه‌های شوم دشمن و بدون وادادگی، با اعتماد به توانمندی‌های طبیعی و انسانی کشور سیاست‌های صحیحی را برای تاب‌آوری و پیشرفت ایران طراحی کنند، شکاف‌های موجود را پر کرده و با بازسازی سرمایه‌های اجتماعی و اعتماد مردم، اصلاحات ضروری را به مرحله اجرا درآورند، چراکه بی‌عملی یا وادادگی، همان چیزی است که دشمنان مملکت روی آن حساب کرده‌اند. ان‌شاءالله ایران سرافراز خواهد ماند و دشمنانشان در برابر اراده ملت شکست خواهد خورد.

۲.۳. ناترازی و تخصیص نادرست منابع

واقعیت این است که مشکل اصلی در کشور، تخصیص نادرست منابع است، نه کمبود آن‌ها. منابع مالی و طبیعی زیادی در کشور موجود است، اما استفاده بهینه از آن‌ها به‌درستی مدیریت نمی‌شود. تخصیص منابع به بخش‌های ناکارآمد و عدم توجه به بخش‌هایی که می‌توانند رشد پایدار ایجاد کنند، منجر به کاهش بهره‌وری و هدررفت منابع می‌شود.

۲.۴. ضعف ساختار حکمرانی و استراتژی‌های توسعه‌ای ناکارآمد

• ساختار حکمرانی ایران دچار مشکلاتی نظیر تمرکز قدرت، ناکارآمدی و ضعف نهادهای نظارتی است که مانع از اجرای مؤثر سیاست‌ها و برنامه‌ها می‌شود. بنابراین، تغییرات بنیادی در ساختار قانونی و حکمرانی و نهادهای نظارتی اجرایی برای ایجاد رشد اقتصادی پایدار ضروری است.

• بسیاری از استراتژی‌های توسعه‌ای که در حال حاضر در کشور پیگیری می‌شوند، براساس پیش‌فرض‌های غیرواقعی طراحی شده‌اند و قادر به تحقق اهداف رشد اقتصادی و ایجاد تحول در کشور نخواهند بود.

۲.۵. تحریم‌ها تأثیر قابل توجهی دارند

• تحریم‌ها نه‌تنها بر بخش‌های اقتصادی مانند صادرات نفت و واردات کالاهای اساسی اثر می‌گذارند، بلکه تحریم‌های ثانویه و محدودیت‌های مالی که بر نظام بانکی و تجارت خارجی تأثیر دارند، می‌توانند ساختار اقتصادی کشور را به‌شدت تحت فشار قرار دهند و با کاهش دسترسی به فناوری‌های پیشرفته موجب ایجاد موانع جدی در توسعه کشور شوند.

• وابستگی به صادرات نفت و مشکلات در دسترسی به بازارهای جهانی برای تأمین کالاهای و خدمات ضروری، نشان‌دهنده تأثیرات عمیق و پایدار تحریم‌ها بر تمام بخش‌های اقتصادی است.

به نظر می‌رسد واقعیت‌های بیرونی، داخلی و بین‌المللی که برای مردم و نخبگان علمی کشور به وضوح آشکار است، در بسیاری از مواقع از سوی سیاست‌گذاران و مدیران نادیده گرفته می‌شود. این واقعیت‌ها به طرق مختلف، در قالب گفتار و واکنش‌های جمعی سیاسی، مانند میزان مشارکت مردم در انتخابات یا موضع‌گیری‌های آنان در قبال مسائل ملی و بین‌المللی، بیان می‌شود، اما آنچه که سبب نادیده گرفتن این واقعیت‌ها می‌شود، به دو عامل کلیدی و اساسی برمی‌گردد:

۱. منافع گروهی برخی سیاستمداران و مدیران

یکی از دلایل اصلی که باعث می‌شود بسیاری از مشکلات و چالش‌های کشور نادیده گرفته شوند، منافع گروهی برخی سیاستمداران و مدیران است. این افراد، در بسیاری از موارد، سعی دارند تا مشکلات و کاستی‌های موجود در کشور را مخفی کرده و وضعیت را به‌گونه‌ای به نمایش بگذارند که هیچ کمبودی وجود ندارد و همه چیز در بهترین حالت خود قرار دارد. این رفتار، در بسیاری از مواقع، نه به خاطر صلحت عمومی، بلکه به منظور حفظ موقعیت‌های قدرت و منافع شخصی و گروهی آنان است. چنین رویکردهایی نه‌تنها باعث فساد و ناکارآمدی در تصمیم‌گیری‌ها شده، بلکه موجب پیچیده‌تر شدن مشکلات موجود می‌شود. وقتی سیاستمداران حاضر به پذیرش واقعیت‌ها و مشکلات نمی‌شوند، تصمیمات‌شان نه‌تنها نمی‌تواند مشکلات را حل کند، بلکه آن‌ها را عمیق‌تر و پیچیده‌تر می‌سازد.

۲. کانالیزه بودن ورودی‌های ادراکی

دومین عامل عمده که منجر به نادیده گرفتن واقعیت‌ها می‌شود، کانالیزه بودن ورودی‌های ادراکی برخی سیاست‌گذاران است. بسیاری از سیاستمداران و مدیران، به‌ویژه کسانی که در سطوح بالای تصمیم‌گیری قرار دارند، منابع اطلاعاتی خود را به رسانه‌های دولتی و بولتن‌های خبری محدود کرده‌اند. این محدودیت در دسترسی به منابع مختلف و متنوع اطلاعات، باعث می‌شود درک آنان از وضعیت واقعی کشور، بسیار سطحی و ناقص باقی بماند. علاوه بر این، یکی از دلایل اصلی ایجاد شکاف ادراکی این است که سیاست‌گذاران روابط سیستماتیک و عمیقی با نخبگان علمی و مردم به‌گونه‌ای که در مقام شنوندۀ قرار